

به نام خدا

مخبر من سخن غنی

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی»

مقدمه

موضوعات اصلی مورد بررسی در مبحث «نحوه اجرای محکومیت‌های مالی» اولاً بررسی راهکارهای الزام مدیون به پرداخت دین و استیفای محکوم‌به از محل اموال او و ثانیاً شیوه برخورد با پدیده «عجز از پرداخت» است که این پدیده یکی از مباحث مهم حقوقی در نظام‌های مختلف حقوقی است.

۱. پیشینه تقنین در حوزه اجرای محکومیت‌های مالی و عجز از پرداخت

در مورد پیشینه تقنینی نظام حقوقی ایران در حوزه اجرای محکومیت‌های مالی و عجز از پرداخت باید به قانون اعسار و افلاس و اصلاح قانون تسریع محاکمات مصوب ۱۳۱۰/۸/۲۵، قانون تجارت (بخش ورشکستگی) مصوب ۱۳۱۱، قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳/۹/۲۰، قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۵۱، قانون منع توقیف اشخاص در قبال عدم انجام تعهدات و الزامات مالی مصوب سال ۱۳۵۲، قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۷۷ اشاره کرد.

۲. مشکلات نظام حقوقی کشور ما در حوزه محکومیت‌های مالی و برخورد با پدیده عجز از پرداخت

مشکلات نظام حقوقی کشور ما در حوزه محکومیت‌های مالی و برخورد با پدیده عجز از پرداخت، که مصوبه کمیسیون حقوقی و قضایی به‌دنبال رفع آنها بوده است به‌شرح زیر می‌باشد:

۱. عدم کمک محاکم به طلبکار (محکوم‌له) برای شناسایی اموال بدهکار (محکوم‌علیه): پس از صدور حکم محکومیت و تقاضای طلبکار (محکوم‌له) برای اجرای حکم، هرگاه بدهکار (محکوم‌علیه) طوعاً حکم را اجرا نکرد اولین گام باید تلاش همه‌جانبه برای اجرای حکم باشد. در این راستا باید اموال بدهکار (محکوم‌علیه) شناسایی و محکوم‌به از محل آن استیفا گردد. نکته حائز اهمیت در اینجا آن است که بار شناسایی اموال محکوم‌علیه نباید تماماً بر دوش محکوم‌له باشد و حاکمیت در دفاع از او و اجرای حکم صادر شده باید نسبت به شناسایی اموال مدیون از یکسو و تحت فشار قرار دادن او برای اجرای حکم از دیگر سو اقدام کند. این درحالی است که در حال حاضر بار شناسایی اموال محکوم‌علیه تماماً برعهده محکوم‌له است و محاکم در این مورد کمک چندانی به طلبکار نمی‌کنند.

۲. عدم وجود سامانه شناسایی اموال در کشور: برای اینکه حاکمیت بتواند به شناسایی اموال محکوم‌علیه اقدام کند باید سامانه شناسایی اموال در کشور راه‌اندازی شود. در این راستا باید اولاً تا جایی که امکان دارد اموال شناسنامه‌دار شوند و اموال بی‌نام (مانند اوراق مشارکت بی‌نام، سهام بی‌نام و...) حذف شوند، ثانیاً این اموال در دفاتر مرکزی‌ای به‌طور متمرکز ثبت گردند، ثالثاً هر نوع تغییرات و نقل و انتقالات در این اموال به‌طور رسمی انجام و در دفاتر مذکور ثبت گردند، تا امکان شناسایی اموال از طریق استعلام از این دفاتر مرکزی ثبت اموال ممکن گردد (راه‌اندازی سیستم شناسایی اموال). در حالی‌که در حال حاضر چنین سیستم کاملی در کشور وجود ندارد هرچند موارد محدودی ایجاد شده است.

۳. عدم وجود تفصیل فقهی در برخورد با مدیونی که حکم را اجرا نمی‌کند در نصوص قانونی: از جمله راهکارهای اجبار مدیون برای اجرای حکم آن است که مدیونی که علی‌رغم دارا بودن، دین خود را نمی‌پردازد (مدیون مامل) تحت فشار قرار گیرد، تا به اجرای حکم مبادرت ورزد. در این راستا باید مدیون مامل تا زمان اجرای حکم، حبس گردد، مگر اینکه ادعای اعسار کند و ادعای او پذیرفته شود. در اینکه از زمان ادعای اعسار تا زمان بررسی وضعیت مدیون و احراز اعسار یا ایسار او آیا مدیون باید در حبس باشد یا خیر؟ و نیز در این مورد که بار اثبات اعسار برعهده مدیون است یا اثبات ملائت برعهده محکوم‌له است نیز تفصیل مبسوط و دقیقی در منابع فقهی وجود دارد که این تفصیل در قوانین ما به صراحت نیامده است.

۴. نگاه ارفاقی شدید به مقوله مستثنیات دین در قوانین: ماده (۵۲۴) قانون آیین دادرسی مدنی که در مورد مستثنیات دین می‌باشد از نگاه مسامحه‌گرانه شدیدی پیروی می‌کند و عملاً بسیاری از اموالی که بستانکار برای اجرای محکومیت مالی به دایره اجرای احکام دادگستری معرفی می‌کند، از مصادیق مستثنیات دین قرار می‌گیرد. به این ترتیب عدم توقیف تمام موارد مشخص شده به‌عنوان مستثنیات دین باعث تشدید مشکلات اجرای احکام محکومیت‌های مالی می‌شود و در نتیجه بدهکاران مامل در حاشیه امنی قرار می‌گیرند که دست طلبکاران به اموال آنها نمی‌رسد. در متون فقهی نیز هرچند نگاه‌های ارفاقی به مقوله مستثنیات دین وجود دارد ولی در مقابل، فقهای بزرگی هم وجود دارند که نگاه‌های سخت‌گیرانه‌تری در این زمینه دارند.

۵. فقدان ضمانت اجراهای مدنی مناسب برای عدم تأدیه به موقع دیون (متفرعات طلب): برخلاف بسیاری از نظام‌های حقوقی، ضمانت اجراهای مدنی در نظم فعلی بسیار ناکارآمد است، لذا بدهکاران در امنیت بیشتری از بستانکاران قرار می‌گیرند. در غالب نظام‌های حقوقی مقرراتی پیش‌بینی شده است که بستانکاران بتوانند با استفاده از آنها مطالبات خود را وصول کنند و همچنین انگیزه بدهکار را در مامله در ادای دین کاهش دهد. در حالی که ضمانت اجراهای موجود در نظام حقوقی ما به‌گونه‌ای نیست که به لحاظ اقتصادی انگیزه کافی برای پرداخت دین ایجاد کند بلکه برعکس انگیزه تأخیر در پرداخت دین را افزایش می‌دهد.

۶. ضمانت اجراهای ناکافی در خصوص معامله به قصد فرار از دین: در نظام حقوقی ما ضمانت اجراهای کافی برای جلوگیری از انتقال اموال بدهکار به قصد فرار از پرداخت دین وجود ندارد.

بررسی کلیات لایحه

مصوبه کمیسیون محترم قضایی در خصوص لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی تا حدود زیادی توانسته است معضلات پیش‌گفته پیرامون اجرای محکومیت‌های مالی را برطرف نموده و در عین حال از حبس بی‌دلیل مدیون معسر ممانعت نماید. توضیح آنکه براساس مصوبه مذکور هرگاه شخصی محکوم به پرداخت مالی به دیگری می‌شود، در گام نخست قسمت اجرای احکام با استفاده از سامانه شناسایی اموال، تمام تلاش خود را صرف شناسایی اموال بدهکار و وصول طلب از محل اموال مذکور می‌نماید. اگر در این راه توفیقی حاصل نشد اگر مدیون ادعای اعسار کند و ضمن دادخواست اعسار خود، فهرست کامل اموال خود را ارائه دهد حبس نخواهد شد و اعسار او مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت اثبات اعسار، مدیون رها شده و متناسب با وضعیت معیشت وی حکم پرداخت اقساطی صادر می‌شود. هرگاه ادعای اعسار او رد شود یا ثابت شود در ارائه فهرست اموال خود تقلب کرده است حبس شده و یا به مجازات محکوم خواهد شد. همچنین در خصوص خسارت تأخیر در انجام تعهد، مستثنیات دین، اثبات اعسار و... مواد مناسب و کارگشایی به تصویب رسیده است. لذا تصویب کلیات این لایحه مورد پیشنهاد است. البته چند اشکال جزئی در این مصوبه وجود دارد که در ادامه ذکر می‌گردد.

بررسی جزئیات

همچنانکه گفته شد یکی از معضلات نظام حقوقی ما در مبحث اجرای محکومیت‌های مالی ضمانت اجراهای ناکافی برای برخورد با بدهکاری است که علی‌رغم دارا بودن، از پرداخت به‌موقع دین خود امتناع کرده و تا جایی که بتواند در پرداخت بدهی خود تأخیر و مامله می‌کند. در این راستا لازم است قانونگذار اولاً هزینه عدم اجرای تعهدات مالی یا تأخیر در اجرای تعهدات مالی را

برای متخلفین زیاد کند تا تأخیر در ادای دین برای بدهکار مالدار صرفه اقتصادی نداشته باشد. ثانیاً در موارد فرار از ادای دین، بین تخلف و مجازات‌های پیش‌بینی شده تناسب وجود داشته باشد. ثالثاً در راستای سیاست‌های حبس‌زدایی حتی‌المقدور از مجازات حبس استفاده نشود. متأسفانه مصوبه کمیسیون محترم قضایی و حقوقی از این جهت واجد اشکال بوده و ضمانت‌اجراه‌های پیش‌بینی شده در این مورد به هیچ‌وجه کافی به‌نظر نمی‌رسد. در ادامه این موارد ذکر می‌گردد:

۱. در ماده (۱۶) برای مدیونی که در جهت فرار از ادای دین، خود را برخلاف واقع و به‌طور متقلبانه معسر قلمداد کرده یا در ارائه فهرست اموال خود تخلف کرده است، جزای نقدی یا حبس تعزیری درجه هفت (یعنی جزای نقدی از یک میلیون تا دو میلیون تومان یا حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه) پیش‌بینی شده است. به‌نظر می‌رسد اولاً جزای نقدی که حداکثر آن دو میلیون تومان باشد برای فرار از ادای بدهی‌های کلان به هیچ‌وجه بازدارنده نیست و هیچ انگیزه‌ای در مدیون برای عدم فرار از دین ایجاد نمی‌کند. همچنین از آنجا که مجازات حبس نیز مجازات مناسبی نیست، لذا مناسب است در این جرم همچون سایر جرائم اقتصادی مجازات به‌صورت درصدی از میزان تخلف اقتصادی تعیین شود تا بازدارنده باشد. لذا بهتر بود مجازات مندرج در این ماده به‌صورت جزای نقدی معادل درصدی از محکوم‌به (مثلاً جزای نقدی از معادل یک‌هشتم تا یک‌چهارم محکوم‌به) تعیین می‌شد.

۲. در ماده (۲۲) نیز برای مدیونی که با انگیزه فرار از ادای دین اموال خود را منتقل کرده است حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه هفت پیش‌بینی شده است. همانطور که در بند قبل گفته شد این مجازات نیز بازدارنده و مناسب به‌نظر نمی‌رسد. لذا مناسب است در این جرم نیز مانند سایر جرائم اقتصادی مجازات به‌صورت درصدی از میزان تخلف اقتصادی تعیین شود تا بازدارنده باشد. لذا بهتر بود مجازات مندرج در این ماده به‌صورت جزای نقدی معادل درصدی از محکوم‌به (مثلاً جزای نقدی از معادل یک‌سوم تا سه‌چهارم مال منتقل شده) تعیین می‌شد.

نتیجه‌گیری

با عنایت به مطالب مذکور و با عنایت به اینکه مصوبه کمیسیون محترم قضایی درخصوص لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی تاحدود زیادی توانسته است معضلات پیش‌گفته پیرامون اجرای محکومیت‌های مالی را برطرف نموده و در عین حال از حبس بی‌دلیل مدیون معسر ممانعت نماید، به‌نظر می‌رسد این مصوبه می‌تواند تحولات بسیار مثبتی در حوزه اجرای محکومیت‌های مالی ایجاد کند، لذا تصویب کلیات این لایحه مورد پیشنهاد است.

اما در مورد جزئیات این مصوبه می‌توان گفت در دو مورد ضمانت‌اجراه‌های پیش‌بینی شده برای برخورد با بدهکاری که علیرغم دارا بودن، خود را معسر قلمداد کرده (ماده (۱۶)) یا اموال خود را به انگیزه فرار از دین به دیگری منتقل نموده است (ماده (۲۲)) ناکافی است. پیشنهاد می‌گردد با رعایت آیین‌نامه داخلی مجلس (به طریق مناسبی مانند اعاده این دو ماده به کمیسیون) در مورد این جرائم ضمانت‌اجراه‌های مناسبی به‌صورت درصدی از محکوم‌به یا مال منتقل شده در نظر گرفته شود تا با ایجاد تناسب بین جرم و مجازات، انگیزه فرار از دین برای بدهکاران متقلب وجود نداشته باشد، به نحوی که مجازات (جزای نقدی از معادل بیست درصد تا پنجاه درصد محکوم‌به) برای جرم مندرج در ماده (۱۶) و مجازات (جزای نقدی از پنجاه درصد تا هفتادوپنج درصد محکوم‌به) برای جرم مندرج در ماده (۲۲) تعیین گردد. در سایر مواد تصویب متن مصوب کمیسیون عیناً مورد پیشنهاد است.